

کدام نوع ترجمه را انتخاب کنیم؟

«چه گفتن» تا «چگونه گفتن»

بررسی روش‌های ترجمه‌ی فارسی قرآن در دوران معاصر

دکتر علی نجار پوریان

چکیده

تقسیم روش‌های ترجمه به سه روش «کلمه‌به‌کلمه» (تحت‌اللفظی)، «جمله‌به‌جمله» و «آزاد»، منطقی و مطابق واقعیت خارجی در ترجمه‌های موجود است. هرچند که در نام‌گذاری اختلاف نظر هست، اما سه روش نام‌برده مورد پذیرش همه‌ی اندیشوران است. بسیاری از ترجمه‌های کهن تحت‌اللفظی انجام گرفته‌اند. مترجمان این دوره هم خود را تنها صرف انتقال معانی می‌کردند و برای آن‌ها «چه گفتن»

اهمیت بیشتری داشت تا «چگونه گفتن». اما چند دهه‌ی اخیر، ترجمه‌ها غالباً با رعایت قواعد زبان فارسی و در قالب عبارتی روان انجام شده‌اند. اغلب آن‌ها هم به روش محتوایی و جمله‌به‌جمله صورت پذیرفته‌اند که برترین روش ترجمه‌ی قرآن است. ضریب خطای این شیوه‌ی ترجمه از روش‌های دیگر کمتر است. در مقاله‌ی حاضر، نقاط قوت و ضعف انواع روش‌های ترجمه قرآن و سبک‌های ترجمه به‌طور مفصل آمده است.

کلیدواژه‌ها: روش، ترجمه، تحت‌اللفظی، جمله‌به‌جمله، آزاد

مقدمه

ترجمه‌ی متون مذهبی از دیرباز رونق داشته است و

پیروان مذاهب متفاوت از آن به‌عنوان وسیله‌ای برای انتشار آرا و عقاید مکتبشان استفاده می‌کرده‌اند. ترجمه‌ی کتب آسمانی نیز به همین دلیل، به‌رغم موانع موجود بر سر راه آن، جایگاه خاصی داشته است. البته در مورد ترجمه‌ی کتب آسمانی این بیم وجود داشت که مبادا از قداست آن‌ها کاسته شود. ولی امروز بحث بر سر این است که تا چه اندازه می‌توان کلام الهی را به‌طور صحیح ترجمه کرد و عملاً به برگردانی دقیق دست یافت.

متون مذهبی، به‌خصوص کتاب آسمانی را نمی‌توان جدا از قوانین و ضوابط حاکم بر فرایند کلام این‌گونه متون بررسی کرد. در میان کتب آسمانی، «قرآن کریم» دارای آن‌چنان ایجاز، اعجاز معنوی و لفظی، بلاغت و شیوایی است که آن را از سایر کتب آسمانی متمایز می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که بنابر نص قرآن، هیچ‌کس را یارای تحدی بر آن نیست.

با اهتمام به مقدمات فوق، ترجمه‌ی متون مقدس و در رأس آن‌ها قرآن، از ضروریات تبلیغی دین اسلام به‌شمار می‌آید و با توجه به رسالت قرآن برای همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها، این ضرورت صدچندان می‌شود. از این‌رو، دانشوران بسیاری در طول تاریخ به ترجمه‌ی قرآن دست زده‌اند و برای این کار از روش‌های متفاوت سود جستند. بررسی این شیوه‌ها و بیان

نقاط قوت و ضعف آن‌ها، می‌تواند برای مترجمان بعدی راهگشا باشد و دانش ترجمه‌ی قرآن را بالنده‌تر و پویاتر کند.

ترجمه‌ی قرآن سابقه‌ای دیرینه دارد و از زمان صدر اسلام آغاز شده است، اما مبحث روش‌شناسی ترجمه‌های قرآن کریم سابقه‌ی طولانی ندارد. با این حال، دانشوران گوناگون در این باره سخن گفته‌اند. تقسیم روش‌های ترجمه به سه روش کلمه به کلمه (تحت‌اللفظی)، جمله به جمله (هسته به هسته) و آزاد (تفسیری)، منطقی و مطابق با واقعیت خارجی در ترجمه‌های موجود است؛ هرچند در نام‌گذاری آن‌ها اختلاف نظر وجود دارد. البته شیوه‌های ترجمه‌ی قرآن، می‌تواند تقسیمات متعددی را پذیرا شود. یعنی براساس مبنای تقسیم روش‌ها و شیوه‌ها، سبک‌های متفاوتی رخ می‌نمایند. تقسیم ترجمه‌ها براساس هدف، مترجم، مخاطبان، زبان ترجمه، وجود یا نبود اضافات، وجود یا نبود گرایش ویژه، اعتبار ترجمه و مترجم، و ترجمه‌های هنری، مهم‌ترین سبک‌های ترجمه را می‌سازد.

مفهوم‌شناسی

سه واژه‌ی اساسی که در بررسی روش‌های ترجمه‌ی قرآن بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از: الف) ترجمه: برخی صاحب‌نظران ترجمه را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «نزدیک‌ترین معادل زبان مورد ترجمه، اول از نظر مفهوم و بعد از نظر سبک.»^۱ اما به نظر می‌رسد که ترجمه، فرایند انتقال پیام از زبان مبدأ به زبان مقصد است. به عبارت دیگر، برگرداندن الفاظ متن از زبانی به زبان دیگر برای رساندن معانی است که برخی آن را علم و برخی دیگر هنر و برخی فن دانسته‌اند.^۲

ب) روش: مراد از روش، مؤلفه‌های تأثیرگذار در فرایند ترجمه است؛ مثل نوع گزینش واژه‌ها و جمله‌ها که نتیجه‌ی آن، گونه‌ی خاصی از ترجمه را به وجود می‌آورد.

ج) قرآن: متن و نص مقدسی است که از سوی خداوند بر پیامبر اکرم (ص) وحی شده است.

پیشینه‌ی تاریخی بحث روش‌های ترجمه‌ی قرآن —
ترجمه‌ی قرآن سابقه‌ای دیرینه دارد و از زمان صدر اسلام شروع می‌شود که سلمان فارسی به ترجمه‌ی بخشی از قرآن مبادرت ورزید. اما بحث روش‌شناسی ترجمه‌های قرآن سابقه‌ی طولانی ندارد و تنها برخی کتاب‌ها و ترجمه‌های قرآنی اشاراتی به این مبحث داشته‌اند. از دانشوران متقدم، شیخ محمد بهاء‌الدین عاملی (م ۱۳۰۱ق) از صفوی نقل می‌کند که ترجمه دو روش دارد:

اول: روش یوحنا بن بطریق و ابن‌الناعمه الحمصی که ترجمه‌ی لفظ به لفظ است.

دوم: روش حنین بن اسحاق که تمام جمله را در ذهن به تصور درمی‌آورد و سپس آن را به جمله‌ای مطابق آن از زبان دیگر ترجمه می‌کند.^۳

عاملی به روش اول چند اشکال وارد می‌کند و روش دوم را برمی‌گزیند. از دانشوران متأخر، استاد مکارم شیرازی، در پی‌نوشت ترجمه‌ی قرآن خویش، روش‌های ترجمه قرآن را به سه شیوه‌ی تحت‌اللفظی، آزاد و هسته به هسته تقسیم می‌کند و در نهایت روش سوم را برمی‌گزیند.^۴ استاد معرفت نیز در کتاب «التفسیر و المفسرون»، روش‌های ترجمه را به سه روش حرفی، معنوی (آزاد) و تفسیری تقسیم می‌کند و در نهایت نوع دوم را برمی‌گزیند.^۵ دانشوران دیگری از جمله آقای عقیقی بخشایشی و دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، در این باره اظهار نظرهایی اجمالی مطرح کرده‌اند.^۶

انواع روش‌های ترجمه‌ی قرآن

مترجم، در ترجمه‌ی هر متن، جزء به جزء آن را ترجمه می‌کند. این اجزا را واحدهای ترجمه می‌گویند و آن‌ها سه نوع‌اند: مفردات، ترکیبات و جملات. در ترجمه‌ی تحت‌اللفظی مفردات و تک‌واژه‌ها، و در ترجمه‌ی آزاد، جملات و تراکیب، واحدهای ترجمه قرار می‌گیرند. روش‌های ترجمه

نخستین روش در ترجمه قرآن، ترجمه کلمه به کلمه بوده است. در این شیوه، مترجم به جای هر کلمه از زبان مبدأ، کلمه‌هایی از زبان مقصد را جای‌گزین می‌کند.



محاسن و نقاط قوت

۱. در این شیوهی ترجمه، امانت در نقل مطالب و نظم و ترتیب رعایت می‌شود. مطالب بدون کم و زیاد بیان می‌شوند و مخاطب و مترجم از نص کتاب دور نمی‌شوند؛ برخلاف روش ترجمه‌ی آزاد و تفسیری که مطالب اضافی، ترجمه را از متن اصلی دور می‌سازد.^۸

۲. این شیوه برای آموزش مفاهیم به نوآموزان قرآن بسیار مناسب است.

اشکالات و نقاط ضعف

۱. در این شیوه، افراط در حفظ امانت موجب می‌شود تا گاهی مضمون و پیام اصلی کلام به مخاطب القا نشود؛ به‌ویژه متن قرآن که مشحون از اصطلاحات و استعارات است، مراد مترجم با نوعی خفا و ابهام همراه است و مخاطبان دارای درک درستی از پیام آیه نیستند.^۹ برای مثال، آیه‌ی ۹۳ سوره‌ی بقره: «واشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم»، توسط طبری و ابوالفتوح رازی چنین ترجمه شده است:

۱ «... و بخورایندند اندر دل‌های ایشان گوساله به کافری ایشان (طبری).»

۱ «... و بخور دادند در دل‌های ایشان گوساله به کفرشان (رازی).»

در حالی که مفهوم آیه چنین است: «به سبب کفری که داشتند، دل‌هایشان با مهر پرستش گوساله سرشته و سیراب شد.»

۲. این شیوهی ترجمه، در واقع به صیغه و ساختار عربی درآوردن کلمات فارسی است.^{۱۰}

۳. در این نوع ترجمه، برخی از مترجمان کوشیده‌اند تا کلمات وزین و زیبایی آیات را به لغات فارسی ترجمه کنند، غافل از این که توده‌ی مردم فارسی‌زبان، با مفهوم برخی کلمات عربی آشنا‌ترند تا به لغات فارسی منتخب آقایان؛ مانند ترجمه‌ی زیر:

براساس گونه‌ی انتقال مطالب از زبان مبدأ به زبان مقصد، به سه روش تقسیم می‌شوند. در این‌جا ترجمه‌ی تحت‌اللفظی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) ترجمه‌ی کلمه به کلمه (تحت‌اللفظی، حرفی یا همگون)

همان‌طور که می‌دانیم، نخستین روش در ترجمه‌ی قرآن، ترجمه کلمه به کلمه بوده است. در این شیوه، مترجم به جای هر کلمه از زبان مبدأ، کلمه‌هایی از زبان مقصد را جای‌گزین می‌کند. در این نوع ترجمه، دغدغه‌ی اصلی مترجم حفظ امانت است، یعنی مترجم حداکثر تلاش خود را به خرج می‌دهد تا در ترجمه چیزی اضافه یا کم نشود و همگی واژگان و حروف، دقیقاً همان‌گونه که در زبان مبدأ آمده است، به زبان دوم برگردان شود.^۶

باید متذکر شویم، این نوع ترجمه غالباً به دلیل نارسا بودن، نسبت به سایر انواع ترجمه از مقبولیت کمتری برخوردار است. علت اصلی پرداختن مترجمان به این شیوه دو مطلب بوده است: نخست، مترجمان مؤمن نمی‌خواستند از نص و الفاظ قرآن که مراد خدا بوده است، دور شوند. دوم این‌که صنعت ترجمه و شناخت زبان در حد ابتدایی بوده است. زرقانی و ذهبی درباره‌ی نارسایی و ابهام موجود در ترجمه‌ی تحت‌اللفظی، آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی «اسری» را مطرح می‌سازند: «لاتجعل یدک مغلوله الی عنقک و لا تبسطها کل البسط فتقعد ملوماً محسوراً.» ترجمه‌ی آیه‌ی مذکور چنین است: «نگردان دستت را بسته به گردنت و بازش نکن تمام باز.»

در ترجمه‌ی آیه‌ی مورد نظر، مراد گوینده وافی به مقصود نیست و مخاطب مراد الهی را نمی‌فهمد. در زبان عربی، «غل یدین» کنایه از بخل ورزیدن و «بسط یدین» کنایه از سخاوت است.

ترجمه‌های مرحوم مصباح‌زاد، معزی و بصیرالملک از این نوع هستند.



علی‌رغم امتیازات و نقاط قوت ترجمه‌ی محتوایی نسبت به سایر روش‌های ترجمه‌ی قرآن مهم‌ترین اشکال این نوع ترجمه عدم اهتمام مترجمان به دقایق و ظرایف لفظی، صرفی، بلاغی و نحوی است.

«ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه» [نساء/ ۳۱]: اگر از سهمگین‌ها آن چه از آن برحذر می‌شوید، دوری کنید (جلال‌الدین فارسی).
 آقای جلال‌الدین فارسی، مفهوم گناهان کبیره را به «سهمگین‌ها» ترجمه کرده که برای عموم فارسی‌زبانان نامفهوم است.
 ۴. در این روش ترجمه، برخی کلمات عربی هم‌چون «دال» و «لقد» و مانند آن، معادل مناسب ندارند.^{۱۱}
 ۵. در ترجمه‌ی تحت‌اللفظی، به کلمات کلیدی، محوری و جایگاه معانی توجه نمی‌شود و خواننده در معنای لغوی محصور می‌شود.

امتیازات و محاسن

برخی محاسن ترجمه‌ی قرآن به روش جمله به جمله یا محتوایی از این قرارند:

۱. حفظ خصوصیات لفظی زبان مبدأ در جمله‌سازی زبان مقصد (تا حد امکان).
۲. مخلوط نشدن اضافات تفسیری و توضیحات با متن اصلی. این موارد اضافی داخل کروشه یا پرانتز گذاشته می‌شوند یا به حاشیه، پاورقی یا پی‌نوشت می‌روند.
۳. رساندن پیام کلام از زبان مبدأ به زبان مقصد بدون افراط و تفریط.
۴. دوری از اشکالات ترجمه‌ی تحت‌اللفظی و ترجمه‌ی آزاد تفسیری.

نقاط ضعف

علی‌رغم امتیازات و نقاط قوت ترجمه‌ی محتوایی نسبت به سایر روش‌های ترجمه‌ی قرآن، مهم‌ترین اشکال این نوع ترجمه، عدم اهتمام مترجمان به دقایق و ظرایف لفظی، صرفی، بلاغی و نحوی است.
 با توجه به اشکالات شیوه‌های گذشته و با عنایت به امتیازات این روش، به نظر می‌رسد که مطلوب‌ترین شیوه‌ی ترجمه‌ی قرآن کریم همین روش است.

ب) ترجمه‌ی محتوایی

در این شیوه‌ی ترجمه که هسته به هسته، معنوی، امین، پایبند، و محتوا به محتوا نیز نامیده می‌شود، کوشش مترجم بر آن است که راهی میانه، میان افراط و تفریط را برود؛ یعنی نه ترجمه‌ی تحت‌اللفظی و نه شیوه‌ی آزاد. او می‌کوشد، پیام و هدف اصلی متن را برای مخاطب بیان کند.^{۱۲} هدف اساسی در این نوع ترجمه، انتقال معنا، محتوا و پیام متن و رعایت روان بودن و عامه‌فهم بودن متن مقصد است. به دیگر سخن، آنچه در ترجمه‌ی معنایی اهمیت نخست دارد، پیام و محتوای متن مبدأ و ساختارهای زبان مقصد است. در این نوع ترجمه و از نظر معنایی، معمولاً میان متن مقصد و متن مبدأ تعادل وجود دارد. اما از نظر زبانی، به‌ویژه دقایق و ظرایف لفظی، صرفی، بلاغی و نحوی، تعادل کامل و کافی برقرار نیست. ترجمه‌های آقایان خرمشاهی، خرمدل، فولادوند و پاینده، در زمره‌ی این نوع ترجمه هستند. برای مثال، آیه‌ی ۶۶ سوره‌ی «کهف» و آیه‌ی ۲۴۵ سوره‌ی «بقره»، از ترجمه‌های خرمشاهی و پاینده، مورد بررسی قرار می‌دهیم:

«قال له موسی هل اتبعک علی ان تعلمن مما علمت

ج) ترجمه آزاد یا تفسیری

در این شیوه، مترجم همت خویش را صرف واضح کردن پیام کلام می‌کند و می‌کوشد به صورت کامل مضمون و معنای کلام را درک و در ذهن مجسم کند. در این روش می‌توان از هر جمله و کلمه‌ای که مناسب است، استفاده کرد تا مطلب به مخاطب القا شود؛ اگرچه حجم کلمات و جملات ترجمه با متن اصلی متناسب نباشد و کم یا زیاد شود. در این نوع ترجمه که اغلب مترجمان و اهل نظر آن را بدترین نوع ترجمه می‌دانند، انتقال پیام نویسنده در قالب ساختارهای زبان مقصد، تنها هدف مترجم است. نمونه‌ی این شیوه‌ی ترجمه را در ترجمه‌ی قرآن مرحوم فیض‌الاسلام، الهی قمشه‌ای و «معانی القرآن» بهبودی می‌توان مشاهده کرد.

برای ارائه‌ی نمونه‌ای از این روش، ترجمه‌ی آیات اول و دوم سوره‌ی «بقره» از فیض‌الاسلام را بیان می‌کنیم: «الم»، «ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین»: رازی در میان خدا و پیامبر اکرم که بنا بر مصلحتی آشکار نگشته، و چون حق تعالی در سوره‌ی فاتحه دستور داد که بندگانش از او هدایت به صراط مستقیم را درخواست نمایند، در این جا مژده به روا شدن آن درخواست را داده به این که آن کتاب، قرآن کریم، پیامبران پیش خیر داده شده که بر تومی فرستیم و آنان به پیروان خود خبر دادند، شک و شبهه‌ای در آن نیست. چون خطا و اشتباه در آن راه ندارد و برای پرهیزکاران راهنمای درست و پرهیز از گمراهی است.

امتیازات و نقاط قوت

۱. رساندن پیام از زبان مبدأ به زبان مقصد به صورت کامل و بدون دغدغه‌ی محدودیت الفاظ و کلمات.
۲. استفاده از اضافات تفسیری و توضیحات لازم برای روشن کردن معنای کلام برای مخاطب.
۳. مناسب بودن برای افرادی که خواستار فهم اجمالی و تفسیر همراه با ترجمه‌ی قرآن هستند.

اشکالات و نقاط ضعف

۱. افراط مترجم در توجه به پیام، گاهی موجب می‌شود تمام خصوصیات لفظی زبان مبدأ بازسازی شوند و نکات و مسائل ظریف و هنری از دست بروند.

۲. مخلوط شدن ترجمه با توضیحات اضافی و تفسیری، از اشکالات عمده‌ی این شیوه‌ی ترجمه است، به طوری که گاهی نمی‌توان سخن اصلی متن را از توضیحات مترجم تشخیص داد. این اشکال به وضوح در ترجمه‌ی فیض‌الاسلام و الهی قمشه‌ای آشکار است.^{۱۳}

۳. در این شیوه‌ی ترجمه، بسیاری از حروف و تأکیدها فدای پیام‌رسانی و سلامت عبارت می‌شوند و ترجمه نمی‌شوند، و یا ضمیر غایب به حاضر و جمع به مفرد یا برعکس تبدیل می‌شود.

۴. از خطراتی که ترجمه‌ی آزاد را تهدید می‌کند، خیانت در ترجمه است. زیرا ترجمه‌ی آزاد، بازآفرینی مجدد متن به شمار می‌آید که آن را مترجم به زبان خود بازآفریده است.

۵. در این گونه ترجمه، در حقیقت مترجم فهم خود را از مطلب به مخاطب ارائه می‌کند. یعنی حاصل ترجمه، آینه‌ای است که فهم مترجم را از پیام اصلی منعکس می‌کند. از این رو نمی‌توان به این ترجمه اطمینان کرد، چرا که ممکن است فهم مترجم به خطا رفته باشد.^{۱۴} برای مثال، آقای مجد در ترجمه‌ی منظوم خویش از قرآن، در ترجمه‌ی آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی «بقره»: «واقیموا الصلوة واتوا الزکوة و ارکعوا مع الراقعین»، آورده است:

به همراه مردان ایزدشناس

بدارید حق را ثنا و سپاس

ترجمه‌ی «راقعین» به «ایزدشناس» ترجمه‌ی صحیحی

نیست، زیرا مراد آیه طبق نظر اکثر مفسران، توصیه به شرکت در نماز جماعت است.^{۱۵}

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری



در زمینه‌ی روش‌های ترجمه‌ی قرآن کریم باید بگوییم: از همان قرن چهارم که ترجمه به زبان فارسی رواج پیدا کرد، تاکنون مترجمان هرکدام روشی را طبق ذوق و سلیقه‌ی خود انتخاب کرده‌اند. تقریباً تمام ترجمه‌های کهن به شیوه‌ی تحت‌اللفظی انجام شده‌اند. تلاش مترجمان آن دوران بر این بوده است که هیچ واژه و حرفی از قرآن در ترجمه فروگذار نشود و آن را به‌عنوان حفظ امانت، در ترجمه‌ی خود منعکس سازند. اما چنین ترجمه‌هایی آن‌گونه که باید و شاید مورد استفاده‌ی همگان قرار نمی‌گیرند. به هر صورت، کمتر مترجمی را در میان آنان می‌توان یافت که درصدد بهره‌گیری از توانایی‌های نحوی و ساختارهای زبان فارسی و پیاده کردن آن‌ها در ترجمه‌ی خود برآمده باشد. به‌عبارت دیگر، اتم و هسته‌ی اولیه ترجمه‌ی قرآن نزد آنان، نه جملات و عبارات، بلکه واژگان مفرد بوده است. صرف‌نظر از غنای واژگانی باید اعتراف کنیم که ترجمه‌های کهن، هر چند از نظر قالب و ساختار کلام، تحت‌اللفظی‌اند، اما بسیاری از آن‌ها در مقایسه با بسیاری از ترجمه‌های معاصر، از دقت و اتقان بیشتری برخوردارند.

در دوران معاصر، مترجمان اهتمام بر آن دارند، ترجمه‌ای از قرآن ارائه دهند که مطابق نثر معیار و برای عموم مردم قابل فهم باشد. لذا اغلب مترجمان قرآن را به شیوه‌ی تفسیری یا هسته به هسته ترجمه کرده‌اند که با تمام سعی و تلاش‌ها و رعایت نکات و اصول مربوط به ترجمه، باز مشاهده می‌کنیم که همواره اشکال و ایرادی در این ترجمه‌ها موجود است. به هر حال، علی‌رغم همه‌ی اشکالات، به نظر می‌رسد که محاسن و امتیازات روش ترجمه‌ی قرآن به‌صورت محتوایی یا جمله به جمله بیشتر است.

پی‌نوشت

۷. مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: پی‌نوشت مترجم.
۸. رضایی اصفهانی، ۱۳۸۴: ۲۹.
۹. ترجمان وحی، شماره‌ی ۲: ۱۰.
۱۰. مجتبیوی، ۱۳۷۲: ۳۶، با اندکی تصرف.
۱۱. بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۶، ج: ۱: ۲۳۹.
۱۲. رضایی اصفهانی، ۱۳۸۴: ۵۲۲.
۱۳. معرفت، ۱۳۸۰، ج: ۱: ۱۲۰.
۱۴. بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۶، ج: ۱: ص ۲۶۵.
۱۵. فیض کاشانی، ۱۳۶۹ هـ.ق، ج: ۱: ۱۲۵؛ طبرسی، ۱۴۰۶ هـ.ق، ج: ۱: ۱۵۵.

منابع

۱. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم. قرآن ناطق. فرهنگ اسلامی. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۶.
۲. ترجمان وحی، شماره‌ی ۲، وابسته به معاونت امور فرهنگی اوقاف.
۳. رضایی اصفهانی، محمد. منطق ترجمه‌ی قرآن. مرکز جهانی علوم اسلامی. چاپ اول. ۱۳۸۴.
۴. صفازاده، طاهره. اصول و مبانی ترجمه. همراه. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۳.
۵. طبرسی، فضل‌بن حسن. مجمع‌البیان. دار احیاء التراث العربی. بیروت. چاپ اول. ۱۴۰۶ هـ.ق.
۶. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم. طبقات مفسران شیعه. بخشایش. قم. چاپ اول. ۱۳۷۱.
۷. عاملی، محمد بهاء‌الدین. کشکول. [بی‌نا]. چاپ اول. ۱۳۷۷.
۸. فیض کاشانی، محسن. تفسیر صافی. الاعلمی. بیروت. چاپ اول. ۱۳۶۹ هـ.ق.
۹. فیض‌الاسلام، علی‌نقی. ترجمه‌ی قرآن. مترجم. تهران. چاپ اول. ۱۳۴۸.
۱۰. معرفت، محمدهادی. التفسیر و المفسرون. التمهید. قم. چاپ اول. ۱۳۸۰.
۱۱. مجد، امید. ترجمه‌ی قرآن. کتیبه. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۶.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر. ترجمه‌ی قرآن. دارالقرآن الکریم. قم. چاپ دوم. ۱۳۷۳.
۱۳. مجتبیوی، سید جلال‌الدین. ویژه‌نامه‌ی مباحث قرآن. مجله‌ی مترجم. وابسته به بنیاد پژوهش‌های قدس رضوی. شماره‌ی ۱۰. تابستان ۱۳۷۲.
۱۴. ساعدی، کاظم. درامدی بر اصول و روش ترجمه. مجموعه مقالات کنفرانس بررسی مسائل ترجمه. دانشگاه تبریز. چاپ اول. ۱۳۶۹.
۱۵. فیض‌الاسلام، یادگارنامه. دانشگاه آزاد خمینی‌شهر. چاپ اول. ۱۳۸۳.